**در باب جنگ و دستکاریِ اطلاعات**

**نفوذ در فضای مجازی[[1]](#footnote-1)**

**هربرت لین؛ جکر**

**مترجم: دکتر محمدرضا آهنی[[2]](#footnote-2)**

**خلاصه**

امریکا در توان نظامیِ متعارف رقیب هم­ترازی ندارد. لکن دشمنان آن به­سرعت در حال تغییر و رفتن به سوی بهره‌گیری از روش­های ناهمگون برای ورود به درگیری هستند. در بارة رایاورد (جنگ سایبری) به‌عنوان قلمروی که روش­های متعددی را در اختیار دشمنان برای مقابله با مزایای نظامی متعارف امریکا قرار می­دهد، بسیار نوشته­اند اما باید گفت توانمندی این کشور در تعقیب و پیگیری رایاورد در بیشتر موارد در حد و اندازة دیگر کشورهاست. مقالة حاضر ایدة "جنگ و دستکاری اطلاعات و نفوذ" (جودان) در فضای مجازی[[3]](#footnote-3) را به عنوان شکلی از درگیری یا مقابله مطرح می­سازد که در آن امریکا و به‌طور کلی کشورهای غربی آسیب­پذیری خاصی دارند و در مقایسه با متخاصمان متخصص در این نوع درگیری از توان لازم برخوردار نیستند. جودان بهره‌گیری عامدانه از اطلاعات علیه دشمن است تا آن را به اشتباه انداخته یا گمراه سازد و شاید بتواند در انتخابات و تصمیم‌های دشمن نفوذ کند. این نوع جنگ یک فعالیت خصمانه است یا دست­کم اقدامی است که طرفین درگیر با منافع ناهمسو وارد آن می­شوند، اما این عمل، جنگ به مفهوم تعریف شده در قوانین بین­الملل یا نهادهای محلی نیست. جودان در فضای مجازی از فناوری‌های مدرن ارتباطی بهره می­گیرد تا به مزایای حاصل از ارتباط فراوان، پنهان­کاریِ اندک، ناشناسی بسیار و تولید و مصرف محتوای اطلاعاتی با هزینة ناچیز دست یابد. برخی رویکردهای مقابله با جودان نتایج اندک لکن به لحاظ دفاعی ارزشمند در پی دارند. اما برروی‌هم راه‌حل­های مناسبی برای مقابله با این نوع جنگ در مقیاس وسیع در جوامع آزاد و دمکرات وجود ندارد. از این‌رو طراحی تاکتیک­ها و واکنش­های جدید ضروری است.

1. **مقدمه**

امریکا از نظر درگیری نظامی متعارف و سنتی در جهان بی­رقیب است. کشورهای دیگر به این توانمندی نظامی متعارف امریکا توجه کرده و روش­های "جنگ ناهمگون" را برای مقابله با این کشور و دیگر کشورهای غربی دنبال کرده­اند یعنی با هدف­گیری نقاط ضعف و آسیب­پذیر آنها در صدد مقابله برآمده­اند. رایاورد نوعی از اَشکال جنگ ناهمگون برای مواجهه با برتری­های نظامی غرب به‌ویژه امریکاست که به بهره‌گیری از فضای مجازی متکی است.

"رایاورد" طیف وسیعی را دربرمی­گیرد. در سویة مهم این طیف، رایاورد زیرساخت­های ملیِ حیاتی را تهدید می‌کند. برای نمونه سامانه­های فناوری اطلاعات که برای جامعه یا منافع ملی حیاتی­اند، همچون سامانه­های مربوط به کنترل شبکة برق یا تردد هوایی؛ داده­های مالی نهادهای مالیِ اصلی را به‌طور ناشناس دستکاری می­کند؛ یا در سامانه­های سلاح رایانه­ای اختلال ایجاد می­کند تا نتوانند هدف­های خود را به دلیل ناتوانی در برقراری ارتباط با سامانة موقعیت­یاب جهانی (جی.پی.اس) به خوبی نشانه­روی کنند.

بسیاری از درگیری­ها در فضای مجازی که هدف­های بلندی را دنبال می­کنند با هر معیاری در حد و اندازة جنگ هستند. جنگ به نوبة خود متضمن بهره‌گیری از قدرت سخت است: درگیری مسلحانه، خشونت، مرگ و تخریب، تیراندازی، استفاده از سلاح­های متحرک، و گذار مشخص و روشن میان جنگ و صلح. کلاوزویتس، قدیس حامی جنگ، نوشته است: «جنگ اقدامی . . . خشونت­آمیز است تا مخالفان را به پذیرش خواست و ارادة خود وادار سازیم»، در جنگ «نیروهای جنگنده باید از بین بروند».

اما رایاوردها به­تمامه نمایان‌گر جنگ در مفهوم کلاوزویتسی آن نیستند. در سطح پایین رایاورد به معنی جعل کارت اعتباری؛ سرقت مالکیت معنوی از جمله ربودن طرح­های اصلی، داده­های تجاری و مواضع مورد مذاکره در هنگام عقد قراردادهاست؛ و یا دادن اطلاعات افراد مانند گزارش­های اعتباری و داده­های پزشکی به دیگران؛ حمله برای از سرویس خارج کردن وبگاه­ها که استفادة کاربران حقیقی را از دسترسی به اطلاعات برخط سلب می­کند. این اقدامات در طول زمان می­توانند بر کشورها اثر گذارند اما به سطح و ساحت جنگ نمی­رسند.

این مقاله طیف رایاوردها را تا آنجا پیش می­برد که الزاماً محمل آن‌دسته از فعالیت­ها نباشند که بر اساس قوانین کشوری یا بین­المللی غیرقانونی خوانده می­شوند؛ با این حال تأثیرات تهدیدکنندة عمیقی بر حکومت­های دمکراسی مدرن می­گذارند و این قلمرو همان جنگ و دستکاری اطلاعات و نفوذ در فضای مجازی است.

**2- جنگ و دستکاریِ اطلاعات و نفوذ (جودان)**

جودان بهره‌گیری عامدانه و آگاهانه از اطلاعات توسط یکی از طرفین متخاصم است تا طرف مقابل را گیج و گمراه سازد و سرانجام بر انتخاب­ها و تصمیم­های آن اثر گذارد. جودان یک اقدام غیرمتحرک است یا دست­کم فعالیتی است که بین دو طرف با منافع نا­همتراز صورت می­گیرد. در عین حال جودان، جنگ در مفهوم کلاوزویتسی آن نیست و با هیچ تعریف جدیدی از جنگ که با قوانین جنگی و درگیری­های مسلحانه به رسمیت شناخته شده­اند، و بخش "دستکاری" این اصطلاح را توجیه کند، نیز منطبق نیست. جودان مفاهیم ضمنی قدرت نرم همچون تبلیغات سیاسی، اغوا، فرهنگ، نیروهای اجتماعی، اختلال و فریب را با خود دارد. قدیس حامی جنگ و اطلاعات و نفوذ همان سن‌تزوست که نوشت: «هنر عالی جنگ به انقیاد در آوردن دشمن بدون درگیری است».

توجه داشته باشید که جودان روش یا رویکردی است برای دریافتن اینکه چگونه یک طرف (طرف الف) با طرف دیگر (طرف ب) که دشمن به‌شمار می‌رود، مواجه می­شود. طرف الف و طرف ب می­توانند کشورها، بازیگران غیردولتی یا مردمان کشور باشند؛ در اصل، جودان متضمن رابطه‌ای خصمانه با ترکیب­های مختلف است (یعنی کشورها در برابر کشورها، یا در مقابل بازیگران غیردولتی، یا علیه مردمان سرزمین خود؛ بازیگران غیردولتی در برابر کشورها، یا در برابر دیگر بازیگران غیردولتی، یا علیه مردمان سرزمین خود؛ یا مردم در مقابل دولت­های خود، یا در برابر بازیگران غیردولتی، یا علیه مردمان سرزمین­های دیگر).

**2.1. محیط اطلاعاتی**

آوردگاه جودان همان محیط اطلاعاتی است. این محیط تجمیعی است از افراد، سازمان‌ها و نظام‌ها که اطلاعات را جمع‌آوری، پردازش و منتشر می‌کنند یا بر اساس آن اقدام می‌کنند. محیط اطلاعاتی دارای سه بُعد به هم مرتبط است – فیزیکی، اطلاعاتی و شناختی/عاطفی - که افراد، سازمان‌ها و نظام‌ها در آن و از طریق آن پیوسته در تعامل‌اند.

* بُعد فیزیکی متشکل از سامانه­های فرماندهی و نظارت، نرم­افزار، تصمیم­گیران کلیدی و زیرساخت­های پشتیبان است که در اثرگذاری افراد و سازمان­ها دخیل هستند.
* بُعد اطلاعاتی مشخص می­کند که کجا و چگونه اطلاعات جمع­آوری، پردازش، ذخیره، منتشر و حفاظت گردد.
* بُعد شناختی/عاطفی اذهان و عواطف کسانی را درگیر می­سازد که اطلاعات را ارسال و دریافت می­کنند یا نسبت به آن واکنش نشان می­دهند یا بر اساس این اطلاعات عمل می­کنند.

**2-2. راهبرد و نظریة پیروزی در جنگ اطلاعات و نفوذ**

طرف الف در جنگ اطلاعات و نفوذ زمانی به پیروزی می­رسد که موفق شود اهداف طرف ب را تغییر دهد به‌گونه­ای که هم­پیمان الف شود. اما این هم­پیمانی حاصل "تسلیم" طرف ب یا ناتوانایی ب برای مقاومت نیست – برعکس طرف ب (یعنی بازنده) با میل و اراده به خواست طرف الف تن می­دهد. یعنی برای پیروزی در جودان همان نظر کلاوزویتس در مورد ارادة طرف مقابل و نه نابودی نیروهای نظامی، مدنظر قرار می­گیرد.

در جودان بیشتر از کلمات و تصاویر برای اغوا، اطلاع­رسانی، گمراه­سازی و فریب به‌گونه­ای استفاده می­شود که دشمن نتواند از ظرفیت­های نظامی خود به‌طور کامل در عملیات بهره برد و نتیجة نظامی هم به مانند زمانی است که گویی ظرفیت­های نظامی از بین رفته است. وقتی به دلیلی نتوان از عملیات نظامی متحرک اجتناب ورزید، عملیات در جودان گزینه­های دیگری را پیشِ روی ما می­گذارد. این نکته مهم است که این نوع جنگ پایین­تر از آستانة قانونی "استفاده از زور" یا "حملة مسلحانه" رخ می­دهد و دست­کم در مفهوم حقوق بین­الملل واکنش نسبت به چنین جنگی، منتهی به استفاده از نیروی نظامی نمی­شود.

هدف از اجرای جودان، اثرگذاری بر ادراکات دشمن است که در بُعد شناختیِ محیط اطلاعاتی قرار می­گیرد. این جنگ بر تخریب دانش، حقیقت و اعتماد که در "فضای مغز" (نه در فضای سه­بُعدی یا مجازی) جای دارند، تأکید می­ورزد و نه بر دست­ساخته­های فیزیکی یا دیجیتال. جودان به دنبال القای رعب و وحشت، عصبانیت، اضطراب، عدم اطمینان و شک و تردید در فرآیندهای تصمیم­سازی رقیب است. عمل‌گران موفق در این حوزه ادراکات دشمن را تغییر می­دهند و می­توانند پیش­بینی کنند که با تغییر در ادراکات چگونه احتمال انتخاب گزینه­ای مطلوبِ نظر عمل‌گر در رقیب افزایش می­یابد.

جودان در پی اثرگذاری بر افراد، سازمان­ها، رسانه­های خبری، سازمان­های دولتی، رهبری سیاسی و بخش­هایی از جامعه است. به‌علاوه این بخش­ها نظامی نیستند - هیچ غیرنظامی­ای نیست که از حملة این نوع جنگ در امان باشد. جودان بر مشروعیت هویت­هایی می­تازد که از دسته­های موقتیِ افراد، بزرگ­ترند؛ از این منظر دولت و دیگر نهادهایی که انسجام اجتماعی را بیشتر می­کنند (مانند مدارس و رسانه­های خبری) هدف­های مهم به‌شمار می‌روند. تمهیدکنندگان جودان ممکن است دریابند که کاشتن بذر هرج­ و مرج و آشفتگی در سرزمین خصم فی­نفسه در خدمت منافع آنهاست. برای نمونه دولت رقیبی که در شرایط هرج ­و مرج به‌سر می­برد و مردمان آن دچار آشفتگی هستند، نمی­تواند دست­کم در کوتاه­مدت دست به اقدامی تعیین­کننده بزند، از این‌رو در چنین جایی کاربر جودان آزادی عمل بیشتری دارد. به این ترتیب پراکندن بذر آشفتگی اساساً آماده شدن برای عملیات در آوردگاه اطلاعاتی است و به صورت­بندی اقداماتی منجر می­شود که در صورت ضرورت محیط اطلاعاتی را برای عملیات واقعی آماده می­سازد. وانگهی ایجاد هرج ­و مرج در محیط اطلاعاتی می­تواند فرصت­هایی را برای بهره­برداری فراهم سازد.

**3-2. عملیات در جنگ اطلاعات و نفوذ**

**1-3-2. چگونه عملیات در جودان به اهداف خود می­رسد**

عملیات در جودان به منظور اثرگذاری (تغییر) در یک یا هر سه بُعد محیط اطلاعاتی(بُعد فیزیکی، بُعد اطلاعاتی و بُعد شناختی/عاطفی) است به‌گونه­ای که مزایایی را نسبت به رقیب در پی داشته باشد. سازمان­هایی که به نیروهای مسلح یا فرماندهی و نظارت وابسته نیستند، می­توانند عملیات جودان را (برای نمونه وقتی عملیات نظامی متعارف در جریان نیست) خارج از بافت عملیات نظامی انجام دهند (کما اینکه عمدتاً همین­طور بوده است).

عملیات در جودان اساساً ماهیتی روان­شناختی دارد. این عملیات اطلاعات و شاخص­های منتخب را برای مخاطبان رقیب می­فرستد تا بر عواطف، انگیزه­ها، استدلا­ل­های هدفمند آنان و سرانجام بر رفتار دولت­های رقیب، گروه­های سازمانی و افراد اثر گذارد. هدف از این عملیات القا یا تقویت نگرش­ها و رفتار به‌گونه­ای است که با اهداف آغازگر هم­خوانی داشته باشد.

اصطلاح کلیدی در تعریف عملیات در جودان همان ارسال اطلاعات برگزیده به مخاطبان رقیب است. این اطلاعات ممکن است عمدتاً کاذب، صادق یا ترکیبی از این دو باشد. "اطلاعات گزینشی" در برابر "همة اطلاعات مرتبط" قرار می­گیرد؛ در گفتمان عادی اطلاعات مرتبط برای نمونه تلاش­های آموزشی صادقانه است. در این‌گونه عملیات، اطلاعاتِ ارسالی بر پایة اثرگذاری مطلوب بر نگرش­ها و رفتار مخاطب انتخاب می­شود و نه بر اساس ارائة منصفانه یا متعادل یا بی­طرفانه آنها که مخاطب بتواند بر پایة آن تصمیم بگیرد(البته این امر می­تواند به نفع آغازگر باشد تا مشخص شود که عملیات یکسره از نوع دوم است).

عملیات در جودان می­تواند سفید، خاکستری یا سیاه باشد. عملیات سفید به‌وضوح و به‌درستی آغازگر این نوع جنگ را نشان می­دهد: عملیات سفیدی که عموم آن را به کشور الف نسبت می­دهند، خود کشور الف هم آن را انجام داده است. عملیات خاکستری به هیچ بازیگر مشخصی مربوط نمی­شود. کشور الف ممکن است عملیاتی را در جودان آغاز کند اما اگر این عملیات، خاکستری باشد، هیچ بازیگر دولتی قابل شناسایی نیست. عملیات سیاه در جودان به‌طورمعمول به کشور یا بازیگری غیر از آغازگر حقیقی نسبت داده می­شود. از این‌رو در تعریف، عملیات سیاه را عملیات "پرچم دروغین" نیز گفته­اند. اگر کشور الف عملیات سیاهی را در جودان آغاز کند، ممکن است آن را به‌گونه­ای طراحی کند که عموم آن را به کشور ج نسبت دهند.

متناسب با هدفی که عملیات در جودان دنبال می­کند و خطراتی که در پی دارد، می­تواند سفید، خاکستری یا سیاه باشد. در امریکا، قانون و سیاست اجرای عملیات خاکستری یا سیاه در جودان علیه مخاطبان خاص همچون شهروندان این کشور را محدود کرده است.

عملیات در جودان ممکن است متضمن فریب هم باشد. یعنی عملیات فریب برای اغوای رقیب در ورود یا عدم ورود به اقدامی خاص صورت گیرد، اقدامی که به سود آغازگر جودان یا به ضرر رقیب باشد. عملیات فریب در این نوع جنگ در پی تقویت باورهای پیش­انگاشته است و می­کوشد توجه رقیب را به فعالیت­های بی­اهمیت معطوف دارد تا فعالیت­های مهم مغفول بماند؛ یا در جایی که ضعف وجود دارد، توهم قدرت ایجاد کند؛ بار مضاعفی را به مجموعة اطلاعاتی رقیب و توانمندی­های تحلیلی آن بیفزاید؛ و آگاهی رقیب از وضعیت خود را کاهش دهد.

دو نوع استفاده از عملیات در جودان به میزان زیادی تأثیر آن را افزایش می­دهد:

* یکی زمانی است که از این نوع عملیات برای جهت دادن به نیروهای موجود یا اثر گذاردن بر آنها استفاده می­شود. در اینجا تأثیر واقعی و در مقیاس وسیع نتیجة مستقیم عملکرد نیروهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، روان­شناختی، سازمانی یا بوروکراتیک است و نه حاصل تأثیر خاص ناشی از یک نوع عملیات خاص در جودان.
* مورد دوم زمانی است که از این عملیات در فضای عدم اطمینان و شک و تردید بهره‌برداری می­شود. طرفی که از عملیات در جودان بهره می­برد از قصد و نیت خود آگاه است، می­داند چه کاری می­خواهد انجام دهد و برنامه­ها و اقدامات بعدی­­اش چیست. در مقابل، رقیبِ مردد یا نامطمئن در تعیین دامنه و ماهیت تهدید واقعی و کاری را که باید در قبال آن انجام دهد، مردد است. این تردید موجب اتلاف وقتِ گرانبها می­شود و در این زمان مهاجم جودان می­تواند اطلاعات جدیدی خلق کند و محاسبات راهبردی رقیب را عوض نماید.

به‌احتمال جودان، ابزار نیرومندی برای درگیری، به آن معنا که برای سلاح­های هسته­ای در نظر گرفته می­شود، نیست. چون جودان اساساً ماهیتی روان­شناختی دارد و همواره در میان جمعیت هدف، کسانی از تأثیرات آن در امان هستند – به‌ویژه این امر در مورد کسانی صادق است که نهادها و سنت­های مستحکم و پایبند به قانون دارند و نیز رهبران سیاسی غیرفاسد که از سلامت روح و روان برخوردار و پاک­دست­اند. اما در مواردی که تنها تغییر رفتار شمار اندکی از مردم با اِعمال جودان علیه آنان لازم باشد (برای نمونه در رقابت­های نزدیک انتخاباتی)، جودان می‌تواند سرنوشت­ساز باشد.

**2-3-2. تعصبات روان­شناختی در عملیات جودان**

**1-2-3-2. تعصبات ­شناختی**

به‌طورمعمول در عملیات جودان از تعصبات شناختیِ موجود در بشر انسانی بهره می­برند. این تعصبات ناشی از استفادة انسانی از راهبردهای استدلال شهودی است و نه راهبردهای تحلیلی. یکی از مهم­ترین راهبردهای استدلال شهودی، روش اکتشافی است که جایگزین قضاوت­های ساده برای امور استنباطی پیچیده می­شود و تعصبات شناختی و گاه خطا در نتیجه­گیری را به همراه دارد.

پاره­ای از مهم­ترین روش­های اکتشافی برای اهداف و مقاصد جودان عبارتند از: اکتشاف حضوری[[4]](#footnote-4) (مردم در مورد رویدادها یا اشیایی که تکرارپذیر، محتمل یا به لحاظ عِلّی نیرومندند، بر اساس میزان سهولتی که بتوان نمونه­هایی از این رویدادها و اشیاء را به ذهن متبادر ساخت، داوری و قضاوت می­کنند)؛ اکتشاف از طریق بازنمایی[[5]](#footnote-5) (مردم رویدادها یا اشیاء را بر حسب تشابه آنها با ویژگی­های مقوله­بندیِ بنیادین دسته­بندی می­کنند)؛ اکتشاف تثبیتی[[6]](#footnote-6) (مردم در قضاوت­های آتی خود به برآوردهای اولیه وزن بیشتری می­دهند)؛ و اکتشاف عاطفی[[7]](#footnote-7) (مردم بر حسب احساسات مثبت یا منفی خود از یک رویداد یا یک اقدام در مورد خطرها یا مزایای آن قضاوت می­کنند).

انواع تعصبات شناختی از به‌کارگیری این اکتشافات به‌دست می­آید. در اینجا چند نمونة روشنگر ارائه می­شود:

* تعصب سهولت[[8]](#footnote-8) زمانی پیش می­آید که سهولت در پردازش اطلاعات مربوط به یک ایده، شیء یا رویداد منجر به افزایش توقع واکنش مثبت نسبت به آن شود. پیغام­دهی ساده­انگارانه و یک­جانبه از تعصب سهولت سود می­برد.
* تعصب تأکیدی[[9]](#footnote-9) ترجیح فرد است برای پیگیری و تفسیر اطلاعات جدید به شیوه­ای که با ایده­ها، نگرش­ها، و تصمیم­های وی همخوان و همسو باشد و از اطلاعات ناسازگار فاصله بگیرد. کانال­های رسانه­ای مانند فاکس­نیوز برای افراد راست متمایل به مرکز[[10]](#footnote-10) و بر همین منوال اِم.اِس.اِن.بی‌.سی برای کسانی با جهت‌گیری چپ متمایل به مرکز[[11]](#footnote-11) از این تعصب بهره می­برند.
* تعصب واقعیت موهوم[[12]](#footnote-12) ادراک فراتر فرد است از واقعیت برای گزاره­هایی که پردازش آنها، شاید به خاطر تکرار، ساده می­نماید. از این‌رو در عملیات جودان اغلب پیامی واحد به طور مکرر ارسال می­شود.
* تعصب بیزاری از شکست[[13]](#footnote-13) حساسیت مفرط فرد به باخت را نشان می­دهد. در موارد متعددی افراد با بی‌دقتی دست به قمار می­زنند تا پول باخته را بازگردانند اما به هنگام تلاش برای پیشرفت محتاطانه عمل می­کنند. به این ترتیب عملیات جودان بر این نکته تأکید دارد که تا چه حد یک موقعیت می­تواند برای برانگیختن افراد تازه­کار جهت اقدامی از روی بی­احتیاطی نامناسب باشد.
* تعصب تازگی[[14]](#footnote-14)، میل به اتکا به حافظه­هایی است که به­راحتی قابل دسترسی است و می­تواند استفاده از اطلاعاتی را که به تازگی ارائه شده، گاه باوجود نادرستی، ترغیب و تشویق کند.

تعصباتی از این دست (فهرستی کامل­­تر از این تعصبات را می­توان در کتاب "اندیشیدن و تصمیم گرفتن" اثر جاناتان بارون یافت) نشان از آسیب­هایی در زره شناختی افراد دارد که در صورت نبود، آنها افرادی عقلانی و تحلیل‌گر هستند؛ طراحی عملیات جودان علیه این آسیب­ها، تأثیر آنها را دوچندان می­کند.

**2-2-3-2. تعصبات عاطفی**

تعصبات شناختی که در بالا تشریح شد، نشان می­دهند که چگونه داوری­ها و نتیجه­گیری­های انسان عادی به خاطر اتکا به روش اکتشاف ذهنیِ خطا­پذیر با داوری­ها و نتیجه­گیری­های افراد به­شدت عقلانی، تفاوت دارد. لکن عوامل عاطفی نیز بر داوری و نتیجه­گیری فرد اثر می­گذارند. زمانی می­توان تعصبات عاطفی را مشاهده کرد که فرد برای باور کردن یک پاسخ یا پیامد یا دیدگاه خاص (یعنی سرمایه­گذاری عاطفی) که مانع کسب مزایای ملاحظات منطقی می­شود، انگیزه داشته باشد.

برای نمونه مطالعات متعددی به این نتیجه رسیده­­اند که افراد نسبت به ناسازگاری­های میان رفتار و باورها یا نگرش‌های خود احساس ناراحتی (یک واکنش عاطفی) می­کنند و برای کاستن از این ناسازگاری­ها انگیزه دارند. متداول­ترین راه برای انجام این کار، تغییر ادراک آنان نسبت به ناسازگاری­ در ارتباط با رفتارشان است. آنان ممکن است رفتار خود را عقلانی سازند تا با باورها و نگرش­هایشان سازگار شود یا از مواجهه با اطلاعاتی که باورهایشان را به چالش می­کشد، اجتناب ورزند و در پی اطلاعاتی باشند که باورهایشان را تأیید کند.

همچنین مردم به احتمال زیاد به نتایجی می­رسند که مایل­اند برسند (همان نتایجی که به آنها انگیزه می­دهد). استدلال­ آنها نیز از میل به حفظ جایگاهشان در گروه هم‌سانان انگیزه می­گیرد، گروهی که اعضای آن از تعهدات فرهنگیِ مشترک برخوردار باشند.

مردم وارد بحث­هایی می­شوند که در قیاس با بحث­های نامرتبط، متناسب با جایگاه آنها و کمتر باریک­بینانه و دارای تحلیل انتقادی باشد. در بافت سیاسی موضع عاطفی فرد نسبت به یک نامزد سیاسی اهمیت بیشتری دارد تا دیدگاه او در مورد سیاست­های آن نامزد یا اطلاعات موجود در مورد وی.

یافته­هایی چون مورد پیشین نشان می­­دهد که عملیات جودان که موجب بروز عواطف و احساسات قوی همچون ترس، قوم­مداری و غرور می­شود، به‌احتمال مخاطبان هدف را در برابر اطلاعات حقیقی مقاوم­تر می­سازد و آنان علاقة چندانی برای ورود به ملاحظات منطقی تأمل­برانگیز از خود نشان نمی­دهند.

**3-3-2. رده­شناسی عملیات جودان**

مقالة حاضر به بررسی سه نوع عملیات جودان می­پردازد: عملیات پروپاگاندا، عملیات نشت و عملیات ایجاد هرج ‌و مرج.

**1-3-3-2. عملیات پروپاگاندا**

در ادبیات علوم اجتماعی تعریف "پروپاگاندا" محل بحث­ است. برخی محققان تصریح دارند که تمام انواع اقناعِ جمعی در زمرة پروپاگاندا قرار می­گیرند. اما محققان دیگری پروپاگاندا را این‌گونه تعریف می­کنند: «تلاش سازمان‌یافته از طریق برقراری ارتباط برای اثرگذاری بر باور یا عملکرد یا القای نگرش­های خاص در بین خیل مخاطبان است، به‌گونه­ای که امکان داوریِ مبتنی بر اطلاعات کامل، منطقی یا معقولانه از فرد سلب گردد یا به انحراف کشیده شود».

وجه اشتراک تعاریف گوناگون، تأکید بر انتقال اطلاعات به خیل مخاطبان است تا به نحوی بر افکار، نگرش­ها و عواطف آنان اثر گذارد که به سود آغازگر باشد. در بافتی چنین، ایده­های هیتلر در باب پروپاگاندا هنوز هم کارآمد است: «پروپاگاندا باید توجه جمع وسیعی از مردم را به خود معطوف دارد، صورت­بندی­های ساده­ای از ایده­های اصلی ارائه دهد، بر عواطف و احساسات عموم مردم و نه بر قدرت استدلال آنان تأکید ورزد و پیام­های ارسالی را پیوسته تکرار کند».

همچنین ضرورتی ندارد که اطلاعات ارسالی درست باشد. هیتلر طرفدار "دروغ بزرگ" بود با این باور که «توده­های وسیع مردم راحت­تر قربانی دروغ­های بزرگ می­شوند تا دروغ­های کوچک، چرا که . . . هرگز به ذهنشان نمی­رسد که این دروغ­های کوه­پیکر را واکاوی کنند، نیز باور ندارند که دیگران آنقدر وقیح باشند که حقیقت را چنین شرم­آور خدشه­دار سازند».

**2-3-3-2. عملیات ایجاد هرج ­و مرج**

عملیات ایجاد هرج­ و مرج عملیاتی است که با اطلاعات نادرست و صرفاً به قصد ایجاد هرج ­و مرج و اختلال صورت می‌گیرد. این عملیات بدون دنبال کردن نتیجة رفتاری خاص منجر به سرگردانی می­شود ولی با کاستن از آگاهی رقیب از وضعیت خود و افزایش عدم اطمینان در محیط به مقاصد سودمندی دست می­یابد.

برای نمونه در 11 سپتامبر 2014 سَنت مری پریش[[15]](#footnote-15) در ایالت لوئیزیانا موضوع یک عملیات هماهنگ و با طراحی حرفه­ای برای ایجاد هرج­ و مرج از طریق جودان شد که این عملیات بر مبنای این ادعا صورت گرفت که انفجار نیرومندی در کارخانة تولید مواد شیمیایی کلمبیا رخ داده است. این عملیات این موارد را در بر می­گرفت: صدها حساب توئیتری از مستندسازی این فاجعه، تصاویر و ویدئوهایی از انفجار و شعله­های آتش، ارسال پیام برای بسیاری از سکنة محل، تصویربرداری از صفحة کاربری شبکة سی.اِن.اِن که به بحث در مورد این رویداد اختصاص داشت، و یک ویدئوی یوتیوب که در آن داعش مسئولیت این حمله را پذیرفته بود.

همة این موارد ساختگی بود. تهیه‌کننده تلاش­های بسیاری را برای ترتیب دادن این عملیات انجام داده بود تا تنها چند ساعت و شاید چند روز هرج ­و مرج و نگرانی را بر "سنت مری پریش" حاکم سازد. اگر این رویداد صرفاً یک بار اتفاق می­افتاد، تنها یک تغییر موقت در صحنة ملی ایجاد می­کرد و به سخنِ مدیرِ ادارة آمادگی امنیتی و اضطراری سرزمین سنت مری پریش، مانند "یک شیطنت بی­مزه" بود. لکن این‌گونه نبود بلکه یکی از چند رویدادی بود که در نیمة دوم سال 2014 به طور هماهنگ رخ داده بود.

هر چند عملیات ایجاد هرج­ و مرج و عملیات پروپاگاندا هیچ­یک دغدغة حقیقت را ندارند، اما عملیات پروپاگاندا برای انتقال یک دیدگاه سیاسی خاص به مخاطبان هدف صورت می­گیرد. این در حالی است که عملیات ایجاد هرج­ و مرج چنین هدفی ندارد و چنانچه نفس چنین عملی را به طور منفرد در نظر بگیریم، دست­کم صراحتی در سیاسی بودن ندارد.

همچنین عملیات ایجاد هرج ­و مرج از این ظرفیت مهم برخوردار است که پیام­رسانی در آن نیازی به انسجام ندارد -چرا که پیام­های بی­شمار ولی نامنسجم به جای جلوگیری از گسترش هرج ­و مرج به شیوع آن کمک می­کند. وانگهی پیام­های ناسازگار نیازی به هماهنگی با هم ندارند- این بدان معناست که می­توان حجم زیادی از آنها را با سرعت و از طریق منابع گوناگون تهیه نمود.

**3-3-3-2. عملیات نَشت**

اگر اطلاعات ارسالی عمدتاً درست باشد، عملیات در جودان شباهت زیادی به نشت اطلاعات دارد. درزها، اطلاعاتی را به مخاطبان هدف منتقل می­کنند که رقیب می­خواهد آنها را از منظر عموم دور نگه دارد و زمانی که اطلاعات محرمانه افشا می­شود، رسوایی به‌بار می­آورد و بیش از آنکه اهمیت داشته باشد، توجه عموم را به خود معطوف می‌سازد. در بازنویسی یک سرمقالة نیویورک‌تایمز، فرق است میان در نظر گرفتن اطلاعات به‌عنوان چیزی که ارزش خبری دارد با وجود آنکه نشت پیدا کرده و اطلاعات به‌عنوان چیزی که ارزش خبری دارد چون نشت پیدا کرده است. توجه به این نکته نیز ارزشمند است که ویکی­لیکس به طور خاص از این پدیده ماهرانه بهره برده، توانسته است جریان رسانه­ای را در گزارش تمام ادعاهای خود وسوسه کند و این به خاطر توقعی است که برخی اسناد نشت­یافته در شالودة هر ادعا ایجاد می­کنند.

ترکیبی از اطلاعات راست و دروغ می­تواند اثربخش­تر از حقیقت محض یا دروغ محض باشد. حقیقت محض از این حیث نامناسب است که امکان دارد گزاره­های واقعی برای تأیید پیامی که عملیات جودان خواهان انتقال آن است، وجود نداشته باشد. شنونده­ای که به دروغ بودن مطلب پی می­برد به‌احتمال نسبت به گزاره­های بعدی بیشتر مظنون می­شود، حال آنکه شنونده­ای که گزاره­هایی را واقعی تشخیص می­دهد، به اغلب احتمال گزاره­های بعدی را نیز واقعی می­پندارد- این امر یکی از جنبه­های تعصب شناختی است که در روان­شناسی اجتماعی و شناختی موسوم به تعصب واقعیت[[16]](#footnote-16) است. این پدیده حتی زمانی که فرد دلیل خوبی برای احتراز از حقیقتِ مفروض دارد، نیز نمود پیدا می­کند.

**3- جنگ اطلاعات و نفوذ در فضای مجازی**

فناوری اطلاعات پیشرفته یعنی فناوری ارتباطات و رایانه­ها که بخش "مجازی" جنگ اطلاعات و نفوذ را در بر می‌گیرد و فرصت­های متعدد و جدیدی را در اختیار عاملان این نوع جنگ قرار می­دهد. برخلاف فناوری­های اطلاعاتی گذشته (مانند کتاب و فیلم)، فناوری­های اطلاعاتی جدید، اطلاعات را (که نمود آن به صورت صفر و یک یعنی بیت است) از شکل فیزیکی (مانند کاغذ) که از آن در گذشته برای ارسال اطلاعات استفاده می­شد، جدا کرده است. ویژگی­های زیر از محیط اطلاعاتیِ امروز شایان توجه است.

* **ارتباط زیاد**. در سال 2016 شمار کاربران اینترنت در سطح جهان به 5/3 میلیارد نفر رسید و امروزه تقریباً هر کاربر اینترنت با چند پیوند به‌نسبت اندک با کاربری دیگر ارتباط برقرار می­کند.
* **تأخیر اندک**. کاربرانی که پیوند مستقیم با اینترنت دارند می­توانند در کسری از ثانیه به اطلاعات و ارتباطات جدید دست یابند حال آنکه کسب اطلاعات از طریق رادیو، تلفن یا روزنامه ممکن است ساعت­ها یا روزها به طول انجامد.
* **ناشناس بودن**. نمی­توان همواره ارسال‌کنندة اطلاعاتی را که نمودی دیجیتال دارد، شناسایی کرد، از این‌رو به هر کسی می­توان آن را نسبت داد.
* **هزینه اندک**. امروزه در اغلب موارد هزینة جانبی ارسال اطلاعاتِ بیشتر با بهره‌گیری از فناوری مدرن اساساً صفر است چرا که این فناوری­ها محدودیتی برای ارسال و دریافت حجم زیاد اطلاعات ندارند.
* **نقاط توزیع متعدد**. ارائه‌دهندگان محتوی از طریق اینترنت متعددند و دامنة آن جوانان منفرد و روبات‌های خودکار تا سازمان­های دولتی را دربرمی­گیرد.
* **ارتباطات دوسویة چند به چند**. ارائه‌دهندگان و مصرف‌کنندگان محتوا به­راحتی در گفت­وگوهای دوسویه وارد می­شوند و اغلب خطوط ارتباطی میان ارائه‌دهنده و مصرف‌کننده نامشخص است.
* **نبود واسطه**. محیط اطلاعاتِ امروز نسبت به چنین محیطی در چند دهة پیش چندان به وجود واسطه و میانجی متکی نیست. در گذشته واسطه­هایی چون روزنامه­ها با ایفای نقش سردبیری به خوانندگان خود کمک می­کردند تا حجم وسیعی از اطلاعات را مدیریت، تفسیر و ارزیابی کنند. امروزه کاربران عمدتاً برای گذراندن اطلاعات از صافی و غربال کردن آنها متکی به خوراک خبری رسانه­های اجتماعی و ابزارهای فناوری هستند، لکن این ابزارها داوریِ جدیِ سردبیر را با خود ندارند.
* **حذف بُعد مسافت و مرزهای ملی**. به سادگیِ ارسال اطلاعات از این سو به آن سوی خیابان، می­توان اطلاعات را آن سوی اقیانوس­ها فرستاد و نفوذ­پذیری مرزهای ملی برای اطلاعات به­مراتب بیشتر از نفوذ­پذیری آنها در برابر اجسام است.
* **امکان دسترسی زیاد به اطلاعات شخصی**. مقادیر زیادی از اطلاعات شخصی افراد چه به صورت رایگان یا به نرخ اسمی در اختیار طرف­های علاقه­مند است.
* **عدم ایمنی اطلاعات**. تمام اطلاعات مشمول خطر مسامحه در محرمانگی، انسجام، دسترسی و اعتبار هستند اما اطلاعاتی که به صورت دیجیتال ثبت و ضبط می­گردند، بسیار بیشتر در معرض این خطرات­اند. بحث تمام و کمال در خصوص چنین خطرهایی از حوصلة این مقاله خارج است، همین‌قدر کافی است بگوییم ثبت و ضبط اطلاعات به شکل دیجیتالی اغلب حس کاذبی از امنیت را با خود دارد (شاید به این دلیل که حفظ اطلاعات از حفظ یک دست­ساختة فیزیکی که اطلاعاتی را در خود ذخیره کرده، متفاوت است) و افراد هنوز هم وقتی امنیت اطلاعاتشان دستخوش مسامحه قرار می­گیرد، متعجب می­شوند.

این ویژگی­های محیط اطلاعات شماری از ملاحظات مهم برای پیگیری جودان را آشکارا با خود دارند. شاید مهم‌ترین مشاهده در مورد جودان در فضای مجازی این باشد که برخلاف رایاورد که در بخش یک شرح داده شد، عملیات جودان در فضای مجازی برای اثربخشی نیاز ویژه­ای به پیچیدگی ندارد که نمونة آن در هک کردن ایمیل‌ها در روسیه اتفاق افتاد. وانگهی همان‌طور که در بخش 2،3،1 توضیح داده شد، تأثیر عملیات جودان در فضای مجازی را می­توان با جهت­دهی به نیروهای بیشتر برای تقویت آثار آن، دوچندان کرد. در عین حال این تأثیر تقویت شده به رایگان به دست نمی­آید – برنامه­ریزی برای پیش­بینی تأثیرات روانی، قانونی، سازمانی، اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه در مقیاس وسیع نیازمند پیش­بینی آثار ثانویه است یعنی تأثیراتی فراتر از تأثیرات یک عملیات مجازی. این امر متضمن بسط بسیار زیاد فضایی است که برنامه­ریزان یک حملة جودان نیز مدافعان جودان باید در نظر داشته باشند.

برای نمونه آغازگران جودان می­توانند وارد عملیات­هایی با ضرباهنگ بسیار بالا شوند – ارسال توئیت­ها و اطلاعیه‌های فیس­بوک، سریع، آسان و ارزان است و می­توان به‌سرعت و با هشدار اندک، سونامی­های اطلاعاتی ایجاد کرد. واکنش در برابر رویدادهای شایان توجه در جهان واقعی نیز می­تواند به­سرعت منتشر گردد. واکنش سریع و ضرباهنگ تند عملیات به این معناست که آغازگر جودان می­تواند از مزایای اول بودن برخوردار شود، مزیتی که به وی این امکان را می­دهد که شرایط اولیه برای روایت پیام را خود تعیین کند.

ضرباهنگ تند به­ویژه در عملیات ایجاد هرج­ و مرج از طریق جودان سودمند است. تجربة زیاد اینترنتی در دهه‌های گذشته نشان می­دهد که سرکوب اطلاعات از طریق حذف آن، کاری نه ناممکن اما دشوار است. تلاش برای حذف اطلاعات اغلب (و به­تحقیق به‌طورمعمول) منجر به جلب بیشتر توجه به آن اطلاعات می­شود، چون زمانی که نسخه‌ای از اطلاعات خاص علنی شد، از بین بردن تمام نسخه­هایی که به صورت دیجیتالی ذخیره شده­اند، ناممکن می­گردد. اما شیوة دیگر برای منکوب یک پیام که تقریباً مؤثر است، خفه کردن آن با ارسال پیام­های رقیب (یعنی با ایجاد هرج­ و مرج در پیام­رسانی به کمک سیلی از پیام­های متقابلاً ناسازگار) به جای تلاش برای حذف آن است.

ارتباطات بسیار نیز بدین‌معناست که حتی بازیگرانی که تا پیش از گسترش اینترنت صدایی ناچیز داشتند اکنون صدایی بلندگووار دارند که به خیل مخاطبان می­رسد. در چنین شرایطی تشکیل اجتماعی از افراد "حاشیه­ایِ" هم‌سو، بسیار آسان است چرا که در اینجا اینان با تقویت اجتماعی دیدگاه­های خود روبه‌رو می­شوند.

امروزه فزونیِ ارتباط به مبارزات سیاسی خاص مرتبط می­شود، این مبارزات ترکیبی از مبارزات "رسمی" با نظارت نامزدها و مبارزات غیررسمیِ "اطلاعاتی" است که حامیان و رقبا انجام می­دهند. اینترنت مشوق انتشار وبگاه­هایی با جهت­گیری سیاسی در امریکا و جاهای دیگر بوده است؛ این وبگاه­ها که عمدتاً شهروندان آنها را راه­اندازی کرده­اند، مشمول مقررات حکومتی در خصوص تأمین مالی یا رعایت انصاف مبارزاتی نیستند و اثرگذاری برخی از این وبگاه­ها به اندازة دیگر جولانگاه­های سیاسی و رسانه­ای سنتی است.

آغازگران جودان به‌نسبت ناشناس عمل می­کنند که احتمال وقوع پیامدهای اجتماعی منفی را از ورود به این فعالیت­ها از بین می­برد و موانع اجتماعی چنین رفتاری را کاهش می­دهد. نبود این موانع شمار افراد علاقه­مند به ورود در عملیات جودان را افزایش داده است.

آغازگران جودان برای مرعوب ساختن طرف­هایی با دیدگاه­های مخالف، بر نیروهای فراوان خود فشار می­آورند. بسیاری از شهروندان عادی را می­توان از طریق اطلاعاتی که در دسترس عموم قرار دارد، به­راحتی شناسایی کرد و همگان می­توانند به آنها برسند. اعلان­های عمومیِ انتقادی اغلب موجی از مکاتبات توهین­آمیز و تهدید­آمیز لکن ناشناس را برای اعلان­کننده ­به همراه دارد. این مکاتبات می­تواند به لحاظ روانی اعلان­گر را مرعوب سازد و مانع بروز دیدگاه­های متفاوت دیگران شود. در پاره­ای از موارد هم ایمنی فیزیکیِ اعلان­گر تهدید شده است.

نبود واسطه هم به آغازگر جودان کمک می­رساند. آنان که از معادل­های برخط واسطه­های سنتی بهره می­برند و برای مقابله با توفان اطلاعات، متکی به خدمات سردبیری هستند، دست­کم ابزارهایی برای مواجهه با برخی از عملیات جودان در اختیار دارند چون کماکان در معرض اطلاعات واقعیِ دیدگاه­های مختلف می­باشند. اما آنان که به رسانه­های اجتماعی و موتورهای جست‌وجو برای فیلتر کردن اقیانوس اطلاعات اتکا دارند، امکان اینکه در معرض اطلاعاتی قرار گیرند که با باورهای پیشین آنان مغایرت داشته باشد، کمتر است. این کاربران با اطلاعات گزیده (یا تقریباً انحصاری­ای) روبه‌رو می­شوند که با تمایلات فردی آنان منطبق باشد؛ به این ترتیب آنان تعصبات مورد تأیید فعلی خود را تقویت می­کنند.

محیط اطلاعاتی امروز امکان داشتن منابعِ جمعی[[17]](#footnote-17) را فراهم می­سازد - یعنی استفاده از شمار زیادی از افراد با همکاری نامنسجم که برای دست­یابی به مقاصد خاص اغلب فاقد راهنمایی متمرکز هستند. آغازگران جودان می‌توانند این همکاریِ افراد موفق و تأثیرگذار را خواسته یا ناخواسته تقویت کنند. در بسیاری از موارد این امر صرفاً مستلزم توئیت مجدد یا "لایک کردن" برای تقویت مضاعف پیام نهفته در عملیات جودان است که بر افراد، اثرگذار بوده است.

از آنجا که عملیات جودان به­راحتی مرزها را درمی­نوردد، عاملان جودان می­توانند از قوانین مختلف در مناطق جغرافیایی گوناگون سود برده با برخورداری از مصونیت نسبی که اختیارات قانونی یک کشور برای چنین رفتاری قائل است وارد عملیات جودان شوند و علیه اختیارات قانونی کشور دیگر عمل کنند. به علاوه آغازگران جودان می‌توانند از اراضی کشور هدف با کمترین زیرساخت­ها وارد عمل شوند و از مزایای حمایتی که آن کشور برای ساکنان خود در نظر می­گیرد، بهره برند.

دسترسی آسان به نقاط توزیع چندگانه منجر به تقویت روبات­های گفت­وگوی اجتماعی[[18]](#footnote-18) خودکار در اینترنت می‌شود که می­توان از آنها در عملیات جودان بهره برد. روبات گفت­وگوی اجتماعی برنامه­­ای رایانه­ای است که برای کاربران انسانی در شبکه­های اجتماعی تولید محتوا می­کند و با آنان در تعامل است و هویت خود را به‌عنوان موجود غیرانسانی پنهان می­سازد. روبات­های گفت­وگو تأثیر به‌سزایی بر گفت­وگوهای سیاسی داشته­اند.

سرانجام، عملیات جودان می­تواند از امنیت ضعیف اطلاعات بهره گیرد. از طریق چنین عملیاتی می­توان به اسناد چاپی، دیداری و شنیداریِ محرمانه، دست یافت یا آنها را جعل نمود یا تغییر داد. سپس می­توان برای حمایتِ راهبردی از اهداف آغازگر جودان محصول این عملیات را منتشر ساخت. نمونه­ای از این رویکرد عملیات هکِ روس‌ها بود که در سال 2016 برای دسترسی به ایمیل­های محرمانة کمیتة ملی دمکراتیک و کارمندان کلیدیِ مبارزات انتخاباتی هیلاری کلینتون صورت گرفت.

**4- روسیه، نمونة بارز عمل­گر جنگ اطلاعات و نفوذ**

در جریان انتخابات ریاست جمهوری امریکا در نوامبر سال 2016، مخاطبان رسانه­های امریکا با سیلی از اطلاعات و مکاتبات محرمانه­ای روبه‌رو شدند که از هک کردن ایمیل­ها و دیگر اسناد خصوصی و سازمانی به­ویژه از کمیتة ملی دمکراتیک[[19]](#footnote-19) و جان پودستا[[20]](#footnote-20) از اعضای کلیدیِ مبارزة انتخاباتی کلینتون به دست آمده بود. پس از ماه­ها گمانه­زنی در مورد دست داشتن روسیه در این عمل که منجر به انتشار اسناد و داده­های خصوصی در وبگاه­های ویکی­لیکس[[21]](#footnote-21)، دی‌سی‌لیکس[[22]](#footnote-22) و گوسیفر2 [[23]](#footnote-23) شده بود، سرانجام دولت اوباما در اوایل ماه اکتبر به‌طوررسمی نظر خود را در مورد مداخله فدراسیون روسیه در افشاگری­ها با نیت دخالت در چرخة انتخابات امریکا اعلام کرد.

برای آنان که با سیاست روسیه آشنا هستند، انتشار راهبردیِ "مطالب افشاگرانه" در مورد رقابت سیاسی امری چندان غیرمعمول نیست که در اصطلاح آن را کمپرومات[[24]](#footnote-24) می­گویند و برای خدشه­­دار کردن شهرت افراد و تضعیف پیام­های مخالفان برای چندین سال از آن استفاده می­کنند. درز پیدا کردن مکالمات تلفنی خصوصی رهبران مخالف و بریدة فیلم­های مربوط به هم­خوابی منتقدان با فواحش، نمونه­هایی است که به‌تازگی در روسیه اتفاق افتاده است. استفادة بین­المللی از چنین تاکتیکی برای اثرگذاری بر سیاست­های داخلی کشور دیگر در حالی که کمی تازگی دارد، در عین حال برگرفته از تاریخ غنی راهبرد نظامی روسیه است و به­ویژه نمونة بارزی از تحولات اخیر در اندیشة نظامی این کشور را به نمایش می­گذارد.

[توجه داشته باشید که روسیه تنها عمل­گر جودان نیست. در بازبینی برنامه­ریزی شدة این مقاله استفاده از این دست عملیات توسط داعش و راست جایگزین[[25]](#footnote-25) در امریکا بررسی می­شود.]

**1-4. هنر راهبردی روسیه**

روسیه در برخی از جنبه­های بهره‌برداری از اطلاعات و دستکاری آنها نمونة خوبی است که در این مقاله به شرح آن پرداخته­ایم. نظریه­های عصر روسیه با عناوین "کنترل واکنش­گرا"، "سیبرنیتک" و ماسکیروکا[[26]](#footnote-26) که بر بهره‌گیری از اطلاعات، فریب و دستکاریِ روانی تأکید دارند، بر تحولات اخیر در رویکردهای راهبرد نظامی اثر گذارده­اند.

در سال­های اخیر، روسیه رویکرد راهبردی صریح خود را در بهره‌برداری از مبارزات جودان برای دست­یابی به اهداف سیاسی و نظامی در داخل و خارج را اصلاح کرده است. اقدامات ناهمگون، مبهم، غیرمستقیم و انکارآمیز و نیز مبارزات اطلاعاتی پیچیده بخش جدایی‌ناپذیر راهبرد نظامی این کشور شده­اند که نمونة آن چیزی است که آن را "جنگ نسل بعد" یا "رهنامة (دکترین) گراسیموف" توصیف کرده­اند.

عناصر این راهبرد را می­توان از زمان مبارزات این کشور با استونی (2007) و گرجستان (2008) مشاهده کرد که رشد آن در انضمام کریمه[[27]](#footnote-27) و درگیری­های جاری در اوکراین، مداخلات روسیه در جنگ داخلی سوریه، و مداخلة روسیه در انتخابات امریکا در سال 2016 مشهود است. جنبه­هایی از همین رویکرد علیه جنبش­های اعتراض­آمیز، رهبران مخالفان و رسانه­های مستقل در سپهر داخلی این کشور به کار گرفته شده است.

صورت­بندی­های صریح در چرخش کنونی در رهنامة نظامی روسیه در چند سال اخیر ظهور و بروز داشته که نشان‌گر دورة مهمی در اندیشة راهبردی در مورد نقش اطلاعات است. در مقاله­ای در دسامبر 2013 در یک نشریة تخصصی نظامی، ژنرال والری گراسیموف، رئیس ستاد کل، نگرشی از چالش­های فناورانة نظامی و جغراسیاسی راهبرد فعلی را که روسیه با آنها روبه‌رو بوده، و نیز تهدیدهای احتمالی، و تصمیم­های راهبردی بالقوه برای مقابله با این چالش­های جهانی مطرح کرده است. این مقاله که به­ویژه بر انواع جدید تهدیدات ناشی از رویدادهایی چون بهار عربی و انقلاب‌های رنگین در دولت­های شوروی سابق تأکید داشت، عنوان می­کرد که قوانین جنگ و نسبت میان "ابزارهای" آشکار نظامی و غیرنظامی در دست­یابی به اهداف سیاسی و راهبردی تغییر کرده، روسیه نیز باید رویکرد خود را با این اَشکال جدید "جنگ مدرن" منطبق سازد. گراسیموف شرح می­دهد که تأکید بر روش­های کاربردی مبارزه، جهت­گیری استفادة گسترده از اقدامات سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، انسان­دوستانه و دیگر اقدامات غیرنظامی را تغییر داده است – که همراه با توان بالقوة اعتراضی مردم به کار گرفته می­شود. این اقدامات غیرنظامی به نوبة خود با «ابزارهای پنهان نظامی مانند درگیری­های اطلاعاتی و اقدامات نیروهای عملیاتی ویژه تکمیل می‌شدند.»

رهنامة گراسیموف به­صراحت از ضرورت یافتن و بهره بردن از نقاط ضعف قدرتمندترین نیروهای نظامی نیز سخن می­گوید. او معتقد است ما نباید از تجربه­های خارجی نسخه­برداری کنیم و پیرو کشورهای بزرگ باشیم، بلکه باید از آنها پیشی بگیریم و جایگاه­های برجسته را اشغال نماییم. او در این فرایند برای "فضاهای اطلاعاتی" نقش حیاتی قائل است و معتقد است این فضاها توان بالقوة گسترده­ای برای کاهش توان نظامی دشمن فراهم می­سازد.

این رهنامه بر اهمیت اَشکال شناختی-روانیِ تأثیرگذاری به همراه سازوکارهای دیجیتالی- فناورانه تأکید دارد یعنی جنگ اطلاعات و نفوذ به همراه آنچه ما در غرب از آن با نام رایاورد یاد می­کنیم. این ابزارها به­رغم تمایزهای دوگانه بین زمان جنگ و زمان صلح کماکان مورد استفاده است تا ادراک را شکل دهند و از اقدامات مخالفان جلوگیری کنند یا آن را به تعویق اندازند و در مواردی مخالفان را به انجام اقدامی برانگیزند که این عمل به همراه عملیات خاص و اَشکال دیپلماتیک و اقتصادی نفوذ و نیز بازدارندگی هسته­ای و نظامی متعارف صورت می­گیرد لکن کاهش ضرورت استفادة آشکار از نیروی نظامی برای رسیدن به اهداف راهبردیِ مورد نظر در اولویت است.

آدامسکی اظهار می­دارد که "به آسانی نمی­توان بر نقشی که رهنامة رسمی روسیه برای جنبه­های پدافندی و آفندی نبرد اطلاعاتی در درگیری­های مدرن قائل است، تأکید کرد" و این نکته­ای است که در دیدگاه گراسیموف بدان توجه شده و نسبت مناسب میان عملیات غیرنظامی و نظامی 4 به 1 در نظر گرفته شده است یعنی اهمیت عملیات غیرنظامی بسیار بیشتر است.

رویکرد کنونی روسیه برای جنگ نسل بعد، بهره‌گیری از راهبردِ نفوذ است و نه نیروی خشن که هم تأکید بر نیروی متحرک را برمی­دارد و هم به­شدت بر نبرد اطلاعاتی به مثابه مؤلفة اصلی درگیری نظامی موفق متکی است. همچنین می­توان آن را علیه بازیگران انفرادی و سازمان­ها و حتی کل مردمِ کشورهای مخالف در داخل و خارج به کار گرفت. در چرخشی که در غرب به سمت استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی برای ارتقای ارزش­های دمکراتیک صورت گرفته، این راهبرد در پی شکل دادن و همراه کردن افکار عمومی و ایجاد اعتراض در بین مردمانِ هدف به‌عنوان اهرمی برای نفوذ راهبردی در کشورهای رقیب برشمرده می‌شود.

**2-4. جودان در عمل: انضمام کریمه به روسیه**

انضمام کریمه به روسیه از همسایة خود اوکراین در سال 2014 رویکرد این کشور را به استفادة بیشتر از جودان به هنگام درگیری و پیش از درگیری نشان می­دهد. مبارزات منسجم با پوشش رسانه­ای و رسانه­های اجتماعی در پی نفوذ به افکار عمومی در این موضوع در روسیه و اوکراین و نیز در جامعة بین­الملل بودند. عملیات ویژه و پرچم دروغین و اقدامات نامشخص (عملیات سیاه و خاکستری) مربوط به "افراد مؤدب" و مردان کوتولة سبز[[28]](#footnote-28) به همراه عدم دخالت نظامی روسیه، باعث شد که سایر کشورها پیش از آنکه برای نیروی انسانی و تسلیحات به کار رفته در کریمه و سایر نقاط اوکراین که با اعتراض و خشونت روبه‌رو شده بودند، منشأیی در نظر بگیرند و آن را به کسی نسبت دهند، کمی درنگ کنند. موقعی که مسئلة دخالت نظامی روسیه آشکار شد و روسیه به‌طوررسمی آن را انکار نمود، مشخص نبود که اقدامات روسیه در کریمه یا اوکراین به سطح جنگ واقعی رسیده است یا خیر که بتوان متناسب با آن دست به واکنش بین­المللی زد.

زمانی که رویدادها در کریمه به­سرعت به صورت اعتراضی مسالمت­آمیز برای کسب استقلال و همه­پرسی در مورد بازگشت این منطقه به روسیه در آمد، رسانه­های این کشور و گفتمان دیپلماتیک بر ماهیتِ دموکراتیک این انتقال تأکید کردند و قیاس آن را با تسخیرهای ننگین در تاریخ اروپا قیاسی نابه‌جا دانستند. در عین حال نبود قطعیت در مورد ماهیت این تهدید یا وابستگی قطعی آن به اقدامات امنیتی اوکراین، دولت­های غربی را که در کنار معترضانِ مایدان[[29]](#footnote-29) قرار داشتند و تأخیر در واکنش به خشونت روسیه را نکوهش می­کردند، از شتاب گرفتن این بحران نگران کرده بود. زمانی که ماهیت اقدامات روسیه در اوکراین روشن­تر شد، انضمام کریمه به روسیه دیگر امری گریزناپذیر بود.

در هنگامة این بحران پوشش رسانه‌ای روسیه در داخل و در منطقه و نیز رسانه‌های اجتماعی ویروسی بر عواطف و تعصبات جماعتی خاص اثر گذاردند و بر "روس بودن" جمعیت کریمه، تهدیدهایی که نسبت به سخنرانان روس در منطقه صورت می‌گیرد، و نیز نقش سربازانِ حافظ صلح که از جماعت روس‌تبار در برابر ارعاب و خشونت افراطیان ملی‌گرای اوکراین حمایت می‌کردند، تأکید نمودند. این پوشش رسانه‌ای طیف متنوعی از موارد باورپذیر و باورناپذیری (چون داستان به صلیب کشیدن کودک سه سالة روس) را دربرمی‌گرفت که هنرمندانه با قضایای واقعی و بریده‌های فیلم ترکیب شده بودند. صحنه‌هایی از اخبار شبانگاهی کاروان‌های کامیون را نشان می‌دادند که "کمک­های انسان­دوستانه" را به مناطق گرفتار حمل می­کردند. مقاومت غربیان در برابر چنین فعالیت­هایی نیز تلاش برای ممانعت از کمک به هم­وطنان روسی ترسیم می­شد که با ستم­ها و شرارت­های ملی- قومی دست به گریبان بودند.

هر چند منطق انضمام­طلبی در تسخیر اراضی برای مخاطبان غربی چندان قابل­قبول نبود، لکن در بیانیه­های بین‌المللی و خروجی رسانه­ها بر بحث­های دیگری تأکید می­شد. این بحث­ها در مسئلة مقایسة "حفاظت" از کریمه با تلاش­های امریکا و ناتو در کوزوو و لیبی بر تاکتیک "ریاکارانه" متکی بود و بر نامشروع بودن "کودتایی" تأکید می­ورزیدند که به‌تازگی منجر به جایگزینی رئیس­جمهور انتخابی اوکراین، ویکتور یانوکوویچ، شده بود. همچنین در این بحث­ها کریمه (و بقیة اوکراین) تحت حاکمیت به‌ظاهر نامشروع و ضدروس قرار می­گرفت.

**5- آسیب­پذیری­های جوامع لیبرال‌دمکراسی در برابر جنگ اطلاعات و نفوذ**

جوامع لیبرال‌دمکراسی به دلایل متعدد در برابر جودان به‌طور خاص آسیب­پذیرند. نخستین و مهم­ترین آنها این است که جوامع لیبرال‌دمکراسی، دست­کم نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر جهان، ذاتاً جوامعی باز هستند. آنها اطلاعات بیشتری را در اختیار مردم خود قرار می­دهند، اطلاعاتی که قرار است واقعی و درست باشند. آنها از رسانه‌هایی برای انتقال اطلاعات به عموم مردم برخوردارند که مستقل­تر از رسانه­ها در کشورهای خودکامه عمل می­کنند. مهم­تر از همه اینکه در این کشورها تغییر رژیم بر اساس نتیجة انتخابات مردمی، به‌صورت دوره­ای و مسالمت­آمیز صورت می­گیرد. از این‌رو، انتخابات و مبارزات سیاسی، هدف­های پرمنفعتی برای عملیات جودان به‌شمار می­روند.

کشورهای دمکراتیک مایل به انجام کارهای خاصی در زمان جنگ هستند که در زمان صلح مایل به انجام آنها نیستند و بالعکس. قانون، مقررات و نهادهای اجتماعی (دولتی و غیردولتی) اغلب بر اساس همین تمایز سامان می‌یابد؛ از این‌رو، این جوامع باید در گذر از این وضعیت به آن دیگری تصمیم بگیرند. آنها در واکنش نسبت به اقدامات خشونت­آمیزی که پایین­تر از آستانة جنگ از جمله عملیات جودان، قرار می­گیرد عملکرد خوبی ندارند (و اغلب اقدام تعیین­کننده­ای انجام نمی­دهند). در قیاس، دولت­های خودکامه­ای که به مبارزة مستمر با سایر دولت-ملت­ها معتقدند، خود را به این صورت سازمان­دهی نمی­کنند و نهادهایی ایجاد می­کنند که به شیوه­ای منسجم و با امکانات و اختیارات برابر در چنین شرایطی عمل می­نمایند.

همچنین کشورهای دمکراتیک به حاکمیت قانون باور دارند. برای نمونه امریکا بر اساس متمم نخست قانون اساسی عمل می­کند که در آن آزادی بیان و عدم دخالت حاکمیت در این امر به جز در شرایط بسیار خاص و محدود تضمین شده است. سخنرانی­ها و اظهارات سیاسی در داخل کشور با بالاترین سطح حفاظت روبه‌روست حتی زمانی که چنین سخنانی درواقع نادرست و تحریک­کننده باشد و دولت­ها به‌طور معمول نظارت فرامرزی بر محتوایی که در بیرون مرزها تولید می­شود، ندارند.

عامل نگران­کنندة دیگر در دولت امریکا و به­ویژه در نهادهای نظامی آن این است که عملیات اطلاعاتی مانند فریب و عملیات روانی چندان مهم تلقی نمی­شوند چرا که چالشی برای توان نظامی سنتی ایجاد نمی­کنند. برای نمونه طبق ملاحظة استیون مِتز نیروی نظامی امریکا آن‌گونه که بایسته و شایسته است در دقت روان­شناختی [یعنی عملیات روانی] قدرتمند نیست، که این امر تا حدودی به خاطر آن است که به‌ظاهر مزایای فناورانه کارآمدی روانی را غیرضروری ساخته است.

چنین گرایش‌هایی دست­کم نشان‌دهندة بی­میلی عموم نسبت به عملیات جودان دست‌کم در امریکاست. لکن قطع نظر از قضاوت سیاسی در مورد اینکه آیا چنین عملیاتی علیه دشمنان امریکا مناسب یا سودمند است که در اصطلاح آن را تصویر خصم در آینه می­گویند یعنی نسبت دادن ارزش­ها و گرایش‌های خود به دشمن – این بی‌میلی در عدم حساسیت یا نبود آگاهی نسبت به تلاش­های دشمن، بسیار دخیل است.

**6- واکنش در برابر جنگ اطلاعات و نفوذ**

شهروندان در جوامع مدرن در توفانی از اطلاعات مبتنی بر فناوری اطلاعات زندگی می­کنند. توفانی از اطلاعاتِ به‌سرعت رو به پیشرفت، آوردگاه ایده­آلی برای استفاده از جودان است. جریان سریع اطلاعات فرصت چندانی را در اختیار دریافت­کنندگان (یعنی جمعیت هدف) برای پردازش و ارزیابی قرار نمی­دهد. حجم زیاد اطلاعات به لحاظ شناختی گمراه­کننده است و می­تواند گیج­کننده باشد. در چنین وضعیتی فرصت برای دستکاری عاطفی فراوان است.

هر واکنش راهبردی در برابر جودان دو عنصر کلیدی را شامل می­شود: شناسایی جودان به هنگام استفاده و اقدام برای مقابله با آن یا آثار آن.

**1-6. شناسایی جودان به هنگام وقوع**

یکی از پنهان­ترین تأثیرات جودان این است که نوع تأثیر تخریب آشکار کلمات و تصاویر بر جامعه همانند تخریب سلاح­های متحرک یا حتی سلاح­های سایبری نیست. در واقع، در عملیاتِ جودان موفق، بازیگر x علیه جامعة y باید بخش­های وسیعی از جامعة y را متقاعد سازد که x دشمن آنها نیست.

نقطة عزیمت تشخیص عملیات جودان شناختن طرف­هایی است که چیزی برای گرفتن از آنها وجود دارد. همان‌طور که در بالا شرح داده شد، روسیه رویکردی را در درگیری اتخاذ کرده که بر جودان به‌عنوان قلمرو قدرت تأکید دارد. لکن بازیگران غیردولتی همچون داعش نیز بر اشاعة پیام و پیشبرد دلایل خود، پیچیدگی رسانه­ای بسیاری را به نمایش می­گذارد. حتی جنبش­های سیاسی بر قدرت جودان واقف­اند که می­توان آن را در بروز راست جایگزین در امریکا و اروپا مشاهده کرد. چون اینترنت و فضای مجازی راهی برای اِعمال قدرتمندتر جودان هستند، جودان در این فضا ابزار سودمندی برای دشمنان مختلف و ابزار مفیدی برای نبردها و رقابت سیاسی است.

ویژگی دوم عملیات جودان تلاش برای تضعیف مشروعیت نهادهایی است که پایداری و تداوم اجتماعی را پدید می‌آورند. در شرایط عادی، شهروندان در مورد مسائل سیاسی و معنا و مفهوم رویدادهای گوناگون بحث می­کنند. در حملة جودان حتی در مورد رویدادهای رخ‌داده توافق ندارند – هر طرف نسخه­ای خاص خود از آن وقایع دارد که روایت­گر آن است. همچنین جودان به نهادهایی چون پایگاه­های رسانه­ایِ مستقر که به معیارها و اخلاق ژورنالیستی وفادارند و به دنبال اطلاع­رسانی به عموم هستند، حمله می­کند.

نشانة سوم تشخیص و شناسایی خودکار سلاح­های مورد استفاده در جودان است. برای نمونه، بروز سریع شمار زیادی از روبات­های گفت­وگوی اجتماعی خودکار که همگی پیام­های مشابهی را منتشر می­سازند، می­تواند نشانة شروع عملیات هماهنگ جودان باشد. تحقیقاتی برای شناسایی خودکار چنین روبات­هایی در دست انجام است.

**2-6. مقابله با جودان**

همان‌طور که در بالا متذکر شدیم، کاربرانی که واسطه­های سنتی (و معادل­های برخط آنها) را کنار گذاشته­اند مایلند که برحسب اولویت (یا تقریباً انحصاری) اطلاعاتی را برگزینند که منطبق با اولویت­های فردی آنان باشد. این افراد کسانی نیستند که بنیانگذاران امریکا به هنگام تأکید بر "شهروندان مطلع" در ذهن داشتند.

از آنجا که این افراد اغلب هدف­های احتمالی جودان هستند، چه کاری برای محافظت از آنان می­توان انجام داد وقتی نمی­دانند هدف دشمن هستند و تمایل چندانی به محافظت در برابر عملیات جودان ندارند؟ آن هم عملیاتی که به نوعی باورها و گرایش­های آنان را تقویت می­کند؟

در وهلة نخست توجه به ایده­هایی که به‌ظاهر چندان سودمند نیستند، می­تواند آموزنده باشد. برای نمونه رسواسازی[[30]](#footnote-30) برای بسیاری از کشورهای مجری جودان به‌ویژه آنها که ورود به روابط بین­الملل را به شیوه­ای متفاوت از هنجارهای رفتار جوامع لیبرال‌دمکراسی برگزیده­اند، چندان مؤثر نیست. همچنین استفاده از این روش برای طرف‌های دخیل در عملیات­های جودان سفید تأثیری ندارد.

واکنش امریکا به استفادة شوروی از عملیات جودان در جنگ سرد -یعنی راه­اندازی رادیو آزاد اروپا/ رادیو آزادی و صدای امریکا تا به این ترتیب منبع جایگزینی برای اطلاعات پردة آهنین باشد- مدل دیگری است. این سرویس­های پخش نقش پایگاه­های ژورنالیستی مستقلی را ایفا می­کردند که اطلاعات درستی را ارائه می­نمودند و دولت امریکا آنها را فیلتر نمی­کرد؛ البته شوروی­ها این‌گونه فکر نمی­کردند.

اما تصور کارآمد بودن این رویکرد برای امروز دشوار است. یک دلیل این است که مخاطبان هدف در عملیات جودان امروزه اغلب کشورهای لیبرال‌دمکراسی هستند، یعنی جایی که افراد آزادی زیادی دارند و قرار است که داشته باشند و نیز از حق قانونی انتخاب منبع اطلاعاتی خود برخوردارند. هر رویکردی برای مقابله با جودان باید از کنترل دولت بر فراهم­سازیِ محتوی بر حذر باشد.

همچنین شتاب جریان اطلاعات راه واکنش متفکرانه را می­بندد. روسیه، گروه­های تروریستی خارجی و جنبش­های سیاسی افراطی از جودان در فضای مجازی بهره می­برند که این امر منجر به بروز عمومی عواطفی چون عصبانیت، ترس و اضطراب می­شود و به این ترتیب مسیری برای نیروهای مخربِ نیرومند و مشروعیت­زدا علیه نهادهای موجود همچون دولت و رسانه­های مسئول فراهم می­آورد. به‌علاوه کاربران جودان مجبور به ارسال پیام­های هماهنگ نیستند و این یعنی آنها می­توانند پیام­هایی را با سرعتی بیش از الزام به تضمین انسجام منتشر سازند. بر خلاف این توفان اطلاعاتی سریع، سرعت ابزارهای ارتباطیِ عمل‌کننده در خلال جنگ سرد کاملاً در مقابله با روایت­های خصمانه امروز ناکافی است.

دلیل مهم دوم این است که هر تلاشی برای ایجاد هماهنگی و هم­زمانی در ارتباطات گستردة دولت زمان­بر است. تمایل به همکاری در ارتباطات وسیع دولت امری قابل درک است چرا که عملیات جودان از انسجام بهره می­برد و واکنش­های ناهماهنگ متقابلاً نامنسجم هستند. اما واکنش سریع که اهمیت آن بدین جهت است که پاسخ به عملیات جودانِ دشمن در تعریف امری واکنشی محسوب می­شود، مسلماً با هماهنگی از طریق هویتی به بزرگی دولت ملی قابل قیاس نیست. در این صورت واکنش­های سریع دولت به عملیات جودانِ دشمن بیشتر ماهیتی خاکستری دارند و نه سفید.

در سویة شهروندی، تلاش برای بهبود مشارکت و مداخلة مدنی همواره اهمیتی ویژه­ دارد. اما تلاش زیادی صورت گرفته که لبة این تیغ به سوی مداخلة مدنی هوشمندانه و آگاهانه حرکت کند، به‌خصوص آنکه مردم در برابر جذب دانش و اطلاعاتی که با باورهای پیشین آنها در مورد جهان مغایرت دارد، مقاومت می­ورزند.

برای نمونه این پدیده را در نظر آورید که مردم به‌طورمعمول مستعد پذیرش ایده­هایی هستند که می­شنوند و صرفاً زمانی آن را رد می­کنند که تلاش ذهنی برای ارزیابی این ایده­ها انجام داده باشند. رَپ دریافته است که تقویت بازیابی دانشِ درست به هنگام خواندن یک مطلب می­تواند از تأثیر اطلاعات نادرست بکاهد؛ در عین حال این بازیابی پردردسر است و افراد اگر به خود وانهاده شوند تمایل چندانی به پذیرش این مشکل ندارند. از این‌رو اگر طرد یک دروغ مستلزم تکرار آن دروغ باشد، این طرد نتیجة عکس می­دهد چون تکرار دروغ موجب تقویت آن می­شود.

تحقیق در زمینة روان­شناسی ارتباطات نشان می­­دهد که می­توان مردم را در برابر اخبار کذب "واکسینه" کرد. این واکسیناسیون ارسال هم‌زمان پیامِ اولیه و نیز نشان دادن ادعاهای کذبی که احتمال پیروی از آنها می­رود و ابطال صریح واکنش­های بالقوه را دربرمی­گیرد.

در عین حال بیان این امر راحت­تر از عمل به آن است و نمی­توان به بسیاری از دیگر فنون مبتنی بر عقل سلیم برای کاستن از اعتماد به اطلاعات نادرست، چندان امید بست. وقتی به افراد در مورد کذب یک بیانیه هشدار داده می­شود تمایل چندانی برای اعتماد نداشتن به آن در موارد بعدی ندارند. صبوری برای اینکه افراد، دیگر به این اطلاعات نادرست توجه نکنند نیز نمی­تواند مفید باشد، چرا که با گذشت زمان خوانندگان بیشتری به این اطلاعات نادرست اقبال نشان می­­دهند. همچنین ارائة کُندِ مطالب و کاستن از پیچیدگی محتوای متون که هر دو زحمت پردازش را که مانع ارزیابی دقیق می­شوند، کم می­کنند، نیز نمی­توانند چندان سودمند باشند.

همچنین برخی از بازیگران اساسی در بخش خصوصی بر میزانی از مسئولیت برای مقابله با انواع خاصی از عملیات جودان اذعان دارند. برای نمونه فیس­بوک در حال تهیة آیین­نامة جدیدی برای کاربران خویش است تا وبگاه­های مشکوک مشخص شوند. گوگل وبگاه­های منتشرکنندة اخبار جعلی را از استفاده از خدمات تبلیغی برخط خود ممنوع کرده است. توئیتر، یوتیوب و فیس­بوک حساب­های کاربری را که محتوای تروریستی ترویج می­کنند، می‌بندد.

بسیاری بر این عقیده­اند که چنین اقداماتی مفید اما ناکافی برای توقف موج فزایندة اطلاعات نادرستی است که از طریق عملیات جودان در فضای مجازی منتقل می­گردد. برای نمونه مارک زوکربرگ در نامة اخیر خود در فیس­بوک می­گوید "رویکرد ما کمتر بر ممنوع کردن اطلاعات نادرست و بیشتر بر زمینه­سازی برای دیدگاه­ها و اطلاعات دیگر استوار است از جمله اینکه راستی­آزمایان می­توانند در مورد صحت یک امر به بحث و جدل بپردازند." اما با در نظر گرفتن تعصب­ها و ملزومات شناختی و ضرورت پردازش پرزحمتِ ذهنی که در بالا تشریح شد، در مورد ارزش رویکرد اخیر باید تردید داشت.

برخی دیگر طرفدار اقدامات مداخله­جویانه­تر یا خصمانه­تر هستند، مانند قطع ارتباطِ کاربران برجسته­ای که "آشکارا" اطلاعات نادرست منتشر می­کنند. تعامل میان شرکت­های بخش خصوصی و کاربران را به‌طورمعمول شرایط حاکم بر قرارداد تعیین می­کند و نه قانون؛ - عمدتاً به این دلیل که شرکت­های خصوصی مسئولیت قانونی برای حمایت از همة دیدگاه­ها را ندارند. بحث­ها نشان می­دهند که این شرکت­ها تا کنون تفسیر محدودی از شرایط حاکم بر قرارداد داشته­اند، چندان محدود که اطلاعات نادرست و گفتمان دردسرساز آزادانه جریان می­یابد چرا که تلاش برای اِعمال آن شرایط ناکافی است. اما این شرکت­های خصوصی نیز دغدغه­های سهامدار و تبلیغات­چی را مد نظر دارند و سرانجام به شیوه­ای کاملاً مناسب خواهان سود بردن از تلاش­های خود هستند که این منفعت با افزایش تولیدکنندگان پیام افزایش می­یابد. آنچه برای یک کاربر "آشکارا" اطلاعات نادرست محسوب می­شود ممکن است برای دیگران چندان آشکار نباشد. تفسیر موسع از شرایط حاکم بر قرارداد خطر دشمن کردن مشتریان آنها را در پی دارد و متضمن پیامدهای مالی برای چنین اقدامی است.

به طور خلاصه، برخی از رویکردهای توصیف شده، تأثیرات دفاعی ارزشمندی را برای مقابله با جودان نوید می­دهند. لکن به طور کلی بحث­های این بخش نشان می­دهد که راه‌حلی جامع و مناسب برای مقابله با جودان در جوامع آزاد و دمکرات وجود ندارد.

**7- نتیجه‌گیری**

جودان از قدیمی­ترین اَشکال شناخته‌شدة درگیری برای انسان است و دمکراسی نیز پیشینه­ای کهن دارد. دمکراسی در اشکال قدیمی­تر خود بر بنیان دیدگاه‌های جماعتی روشنفکر و آگاه قرار داشت که با ورود در بحث و مشاجره حقیقت را از خیال و حقیقتِ نصفه نیمه، بازمی­شناختند تا به بهترین خط و مشی و نتیجة سیاسی دست یابند.

اما حتی پیش از توئیتر و فیس­بوک و شبکة گستردة جهانی، محققانِ چندی به پرسش در مورد انطباق دیدگاه آرمانی و حقیقی از دمکراسی پرداخته بودند. اگر آن روزها انطباق بین آرمان و حقیقت به طور کامل مشخص نبود، امروزه محیط اطلاعاتی و عملیات جودان در فضای مجازی بیش از پیش با پرسش روبه‌روست. نهادهای دمکراسی نیز برای مواجهه با عملیات جودان به­ویژه در فضای مجازی به‌خاطر سرعت و دسترسی چندان آماده نیستند.

عملیات جودان شکلی جدید از تهدید برای کشورهای دمکرات است – تهدیدی که بر قوانین و عرف­های مرسوم هجوم می­برد و نقطة قوت جوامع دمکراتیک یعنی باز بودن و آزادی تضمین شده در آنها را به سوی مقابله با این قوانین و عرف­ها تغییر می­دهد. از این‌رو، تهدید از ناحیة جودان شباهت بسیاری با تهدیدِ سلاح­های مجازی سنتی دارد که بر محرمانه بودن، انسجام، و دسترسی به اطلاعات و نظام­های اطلاعاتی اثر می­گذارند – سلاح­های مجازی تهدید بیشتری را به کاربران پیشرفته­ فناوریِ اطلاعات تحمیل می­کنند تا به کشورهای نه چندان پیشرفته.

سرانجام توجه به این نکته مهم است که جنبة مجازی عملیات جودان در فضای مجازی امری حیاتی است، اما برای کارآمدی نیازی به فرهیختگی خاص در این زمینه نیست. عملیات جودان در فضای مجازی از ویژگی­های بنیادین فناوری جدید اطلاعات سود می­برد -یعنی از نقاط ضعفی بهره می­برد که همواره در انواع فناوری­های اطلاعات فارغ از میزان پیچیدگی آنها وجود دارد- و به نوبة خود به مهاجمِ عملیات جودان امکان کنترل نیروهای بزرگ­تر را که رابطة چندانی با امور مجازی ندارند می­دهد. اهمیت این نکته در این است که هر گاه واکنشی مناسب در برابر جودان صورت گیرد، داشتن وضعیت بهتر، قدرتمندتر و سالم­تر برای امنیت فضای مجازی فی‌نفسه نمی­تواند کمک چندانی به‌شمار آید.

1. . On cyber-Enabied Information/ Influence Warfare and Manipulion, By: Herbert lin and Jackir, Augut 13, 2017. [↑](#footnote-ref-1)
2. . دکترای اطلاعات فرهنگی؛ استادیار دانشگاه جامع امام‌حسین(ع) mahani1342@yahii.com [↑](#footnote-ref-2)
3. 3. cyber-enabled information/influence warfare and manipulation (IIWAM) در ترجمه این مقاله به دلیل کثرت استفاده از عبارت "جنگ و دستکاری اطلاعات و نفوذ" از سرواژة "جودان" استفاده شده است(مترجم). [↑](#footnote-ref-3)
4. . availability heuristic [↑](#footnote-ref-4)
5. . representativeness heuristic [↑](#footnote-ref-5)
6. . anchoring heuristic [↑](#footnote-ref-6)
7. . affect heuristic [↑](#footnote-ref-7)
8. fluency bias [↑](#footnote-ref-8)
9. confirmation bias [↑](#footnote-ref-9)
10. 8. right-of-center orientation در سیاست و بر روی طیف سیاسی چپ تا راست، کسی که به سمت راست متمایل است اما نسبت به جناح راست به مرکز این طیف نزدیک­تر است (مترجم) [↑](#footnote-ref-10)
11. 9. left-of-center orientation در سیاست و بر روی طیف سیاسی چپ تا راست، کسی که به سمت چپ متمایل است اما نسبت به جناح چپ به مرکز این طیف نزدیک­تر است (مترجم) [↑](#footnote-ref-11)
12. illusory truth bias [↑](#footnote-ref-12)
13. loss aversion bias [↑](#footnote-ref-13)
14. recency bias [↑](#footnote-ref-14)
15. . St. Mary Parish [↑](#footnote-ref-15)
16. . truth bias [↑](#footnote-ref-16)
17. . crowdsourcing [↑](#footnote-ref-17)
18. . social chatbot [↑](#footnote-ref-18)
19. . Democratic National Committee [↑](#footnote-ref-19)
20. . John Podesta [↑](#footnote-ref-20)
21. . Wikileaks [↑](#footnote-ref-21)
22. . DCLeaks [↑](#footnote-ref-22)
23. . Guccifer 2.0 [↑](#footnote-ref-23)
24. . Kompromat در فرهنگ روسی صورت کوتاه شدة (compromising material)، به اطلاعات خسارت­زایی گفته می­شود که در مورد یک سیاست‌مدار، تاجر، یا یک شخصیت محبوب به کار می­رود تا شخصیت وی خدشه­دار شود و یا به منظور تهدید و اخاذی از آن استفاده می­شود. (مترجم) [↑](#footnote-ref-24)
25. . alt-right صورت اختصاری alternative right جنبش یا گروهی سیاسی در جناح راست امریکا که اعضای آن جریان سیاسی محافظه­کار را رد می­کند و باورها و افراط­گرایی­های موجود در ایده­های ملی­گرایان سفیدپوست را کنار می­گذارد. (مترجم) [↑](#footnote-ref-25)
26. . maskirovka [↑](#footnote-ref-26)
27. . Crimea Annexation [↑](#footnote-ref-27)
28. 1 . little green men . این اصطلاح به سربازان ماسک­دار با یونیفورم­های نظامی سبزرنگ اما بدون درجه اشاره دارد که در بحران اوکراین در سال 1014 سلاح­ها و تجهیزات مدرن روسی با خود داشتند. نخستین‌بار این اصطلاح در هنگامة انضمام کریمه به فدراسیون روسیه به‌کار رفت که در آن زمان این سربازان فرودگاه بین­المللی سیمفروپل، بسیاری از پایگاه­های نظامی کریمه، و پارلمان این کشور در سیمفروپل را اشغال و مسدود کردند. به اینان "مردان مؤدب" (polite people ) نیز گفته­اند چرا که در آن هنگام با آرامش با سکنه برخورد کردند و مزاحمت چندانی برای کارهای روزمرة آنان ایجاد نکردند. (مترجم) [↑](#footnote-ref-28)
29. . Maidan [↑](#footnote-ref-29)
30. . naming and shaming [↑](#footnote-ref-30)